

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار علامه سید محمدحسین فضل‌الله (علمی - پژوهشی)

حسین مهتدی^۱

چکیده

بیداری اسلامی و مقاومت در برابر استکبار جهانی و قدرت‌های زورگو از موضوعات مهم عصر حاضر است و شاعران زیادی در موضوع ادبیات پایداری شعر سروده‌اند. یکی از مراجع تقلید شیعه که اشعار پر معنایی در زمینه مسائل جهان اسلام سروده است، علامه سید محمدحسین فضل‌الله است. او در اشعار خود به بررسی مشکلات جامعه اسلامی پرداخته است. از موضوعاتی که او در اشعار خود از آنها سخن رانده، مسئله فلسطین است. او معتقد است که تنها راه نجات فلسطین مقاومت می‌باشد و طرح صلح با اسرائیل را هرگز نپذیرفت. او علت بدبختی جهان اسلام را دوری گرفتن از اندیشه‌های اسلامی و خدا می‌داند و همه مسلمانان را به وحدت و بازگشت به اسلام دعوت می‌کند. علامه فضل‌الله هرگز سکوت در برابر حاکمان ظلم و ستم را تحمل نمی‌کرد و جوانان را به‌عنوان سرمایه‌های هر کشور یاد می‌کرد و آن‌ها را به جهاد با طاغوت تشویق می‌کرد. نگارنده در این مقاله به بررسی موضوع بیداری اسلامی از دیدگاه علامه فضل‌الله پرداخته است. موضوعات مهم مورد توجه علامه را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: ۱- فلسطین اسطوره مقاومت و جاودانگی ۲- توجه به مشکلات کشورهای اسلامی ۳- دعوت به اسلام و ایجاد وحدت و همبستگی در میان مسلمانان ۴- جهاد و مبارزه با استکبار جهانی ۵- تقویت روحیه شهادت‌طلبی در میان مردم. نگارنده با شیوه‌ای تحلیلی - توصیفی به بررسی اشعار شاعر در این زمینه پرداخته است.

واژه‌های کلیدی:

علامه فضل‌الله، بیداری اسلامی، فلسطین، شهید، ادبیات پایداری.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس بوشهر mohtadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۸

۱- مقدمه

علامه محمدحسین فضل‌الله^۱ یکی از بزرگ‌ترین مراجع شیعه در عصر حاضر بود که به دلیل زندگی در عراق و لبنان شاهد تحولات گوناگون سیاسی و فرهنگی بوده است. او از مراجع تقلید شیعی بود که علاوه بر تحصیل و تدریس در حوزه علمیه، دارای ذوق ادبی و شعری وافر بود که همچون او در روزگار معاصر نادر است. علامه فضل‌الله به دلیل آشنایی با اندیشه‌های اسلامی و قرآنی و تأثیرپذیری از مکتب اهل‌بیت (ع) توانسته است درک صحیحی از روزگار خویش داشته باشد و مسائل عصر خود را در قالب شعر بیان کند. او بر این باور است که شعر باید بیان‌کننده مسائل روزگار باشد و در زمینه می‌گوید: «ما به شعری که بر روی کاغذ نوشته می‌شود ایمان نداریم، شعر اگر نیازهای جامعه اعم از هنری، نوآوری، فکری و سیاسی را بیان نکند چیزی بی‌مضمون خواهد بود؛ زیرا اگر شعر از مضمون زندگی فاصله گیرد، به چیزی بی‌معنی تبدیل می‌شود» (فضل‌الله، ۱۹۹۰ م: ۱۲-۱۱). او معتقد بود اگر شعر نتواند جامعه‌ای را بنا کند که در میان جوامع دیگر دارای جایگاه برجسته‌ای باشد، جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌های الهی بنا شده و الگو و نمونه برای آیندگان باشد، هیچ ارزشی ندارد:

مَا قِيمَةُ الشَّعْرِ إِنْ لَمْ يَبْنِ مَجْتَمَعًا حُرّاً تَسْبِرُ عَلَيَّ مِنْهَا جِهَ الْعُصْرُ
(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۷۸)

شعر اگر نتواند جامعه‌ای آزاد بنا کند که روزگاران بر شیوه‌های آن حرکت کنند چه

ارزشی دارد؟

بنابراین، توجه به مسائل جهان اسلام از موضوعات مورد توجه علامه فضل‌الله بوده است و در دیوان‌های خود، اشعار فراوانی را به آنها اختصاص داده است.

۱-۱- بیان مسئله

بیداری اسلامی که امروزه در کشورهای اسلامی مطرح شده است از موضوعات مهمی بوده است که علامه فضل‌الله سال‌ها پیش در پی آن بوده است، توجه به مسئله فلسطین،

جهاد و مقاومت مسلمانان در برابر استکبار جهانی، دعوت به وحدت و یکپارچگی مسلمانان و تقویت روحیه شهادت‌طلبی از موضوعاتی است که علامه فضل‌الله در اشعار خود به آنها پرداخته است. نگارنده در این تحقیق بر آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- مهم‌ترین جلوه‌های بیداری اسلامی از نگاه علامه فضل‌الله چیست؟
- ۲- علامه فضل‌الله درباره مسئله فلسطین و راه نجات آنچه دیدگاهی دارد؟
- ۳- مسائل جهان اسلام و خطر تجزیه کشورهای اسلامی چه جایگاهی در افکار علامه فضل‌الله دارد؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

آنچه درباره اشعار علامه فضل‌الله تاکنون نوشته شده است در زبان عربی می‌توان به سه اثر اشاره کرد: ۱- «السید محمدحسین فضل‌الله شاعراً» (ابو صالح، اسماعیل خلیل، بیروت، دار الملائک، ط ۱، ۲۰۰۳ م) ۲- «الاتجاه الروحی فی شعر السید محمدحسین فضل‌الله» (مهدی، علی رفعت، بیروت، دار الملائک، ط ۱، ۲۰۰۶ م) ۳- «شخصیة الرسول الأعظم فی أشعار العلامة السید محمد حسین فضل‌الله» (مهدی، حسین، مجله آفاق الحضارة الإسلامية، سال ۱۷، عدد ۱، تابستان ۱۴۳۵ق) در زبان فارسی می‌توان به دو مقاله اشاره کرد: ۱- «بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه محمدحسین فضل‌الله» (مهدی و بلاوی، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۳) نویسندگان در این مقاله فقط به موضوع شهادت از دیدگاه علامه پرداخته‌اند. ۲- «عاشورا در آئینه اشعار علامه سید محمدحسین فضل‌الله» (مهدی، بحری) مجله نقد ادب معاصر عربی، دوره ۵، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۴) آنچه در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده است موضوع بیداری اسلامی در اشعار علامه فضل‌الله است که در هیچ‌کدام از این آثار به این موضوع پرداخته نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

موج بیداری اسلامی مهم‌ترین مسئله امروز جهان اسلام است، در اکثر کشورهای اسلامی که رهبران آنها در حقیقت دست‌نشانندگان قدرت‌های سلطه‌طلب هستند، امروزه شاهد بیداری اسلامی و آغاز حرکت‌های جهادی علیه حاکمان خود هستیم. علامه فضل‌الله به‌عنوان یکی از مراجع بزرگ شیعه و از شخصیت‌های ضد استکباری و ظلم‌ستیز جهان اسلام است که این افکار او در اشعارش نیز نمودار شده است؛ بنابراین بازخوانی اشعار او برای جهان اسلام دارای ارزش و اهمیت فراوانی است.

۲- بحث

در این پژوهش مهم‌ترین جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار علامه محمدحسین فضل‌الله مورد بررسی قرار می‌گیرد آنچه در زمینه بیداری اسلامی در اشعار شاعر نمودار شده است عبارت‌اند از: ۱- فلسطین اسطوره مقاومت و جاودانگی؛ ۲- عشق به وطن؛ ۳- بازگشت به اسلام و دعوت به وحدت؛ ۴- قیام علیه حاکمان جور و ستم؛ ۵- شهید و روح وحدت و ظلم‌ستیزی. حال به شرح و بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۲-۱- فلسطین اسطوره مقاومت و جاودانگی

از زمان تأسیس دولت غاصب اسرائیل همواره موضوع فلسطین و مظلومیت مردمانش مورد توجه شاعران معاصر بوده است؛ لذا فضای غالب بر شعر معاصر عربی، همواره متأثر از این فاجعه انسانی بوده است؛ به طوری که «نبض شعر عرب، امروز با مسئله فلسطین می‌تپد و شاید نتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و موضوع بخشی از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد؛ همان‌گونه که در دنیای قدیم بندرت می‌توان شاعری یافت که از عشق سخن نگفته باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰). «علامه فضل‌الله مسئله فلسطین را مهم‌ترین مسئله جهان اسلام می‌داند از همه کشورهای اسلامی می‌خواهد که به خاطر مشکلات خود قضیه فلسطین را فراموش نکنند» (غسان، ۲۰۰۱: ۱۶۶). او از جمله

شاعرانی است که در اشعار خود به موضوع فلسطین توجّه داشته است، او در مصاحبه‌ای بیان می‌کند که نخستین ابیات خود را در مورد فلسطین در سال ۱۹۴۸ سروده است و می‌گوید که فقط چند بیت از آن را به یاد می‌آورد:

«دافعوا عن حَقَّنَا الْمُغْتَصَبِ فِي فَلَسْطِينَ بَحْدًا
وَاذْكُرُوا عَهْدَ صَلَاحٍ حِينَمَا هَبَّ فِيهَا طَارِدًا

(مهدی، ۲۰۰۴ م: ۴۳)

از حق غصب شده‌مان در فلسطین با تیزی شمشیرها دفاع کنید. روزگار صلاح‌الدین را که با حمله به فلسطین بیگانگان را از آنجا بیرون کرد، به یاد آورید. علامه فضل‌الله درباره اهمیت موضوع فلسطین می‌گوید: «ما از آغاز رشد فکری و شعری‌مان به مسائل مختلف از خلال قضیه فلسطین نگاه می‌کنیم» (ابوصالح، ۲۰۰۳ م: ۵۵) چراکه از نظر علامه همه مسائل جهان اسلام متأثر از مسئله فلسطین است. او معتقد است که «روز قدس، یادگار امام خمینی است و این روز باعث می‌شود که فلسطین با گذر روزگار هرگز فراموش نشود و قدس در اذهان ملت‌ها باقی خواهد ماند و تحت تأثیر حوادث سیاسی منطقه، فراموش نخواهد شد» (فضل‌الله، ۲۰۰۹/۶/۴ م: <http://arabic.bayynat.org.lb/DialoguePage.aspx?id=12129>) به همین خاطر، او در دیوان «قصائد للإسلام و الحیاة» قصیده‌ای دارد به نام «أسطورة فلسطین» که آن را در سال ۱۳۷۳ ق در نجف سروده است و در آن به موضوع فراموش نشدن فلسطین می‌پردازد:

۱- «ها هنا كان لم يُغَيَّرْ مرورُ الدهر... هذا الثرى... وهذا

۲- كلُّ شيءٍ بحاله... غيرَ أنَّ الطَّيْرَ لم يأتِ روضه الفيناانا

۳- لم يُبَدِّدْ سكوته نغم الحُبِّ، وهمسٌ يُداعِبُ الآذانا»

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۹۹)

۱- گذشت روزگار این خاک و این مکان را تغییر نداده است. ۲- همه چیز در حال و وضع خودش است؛ به جز اینکه پرنده، به باغ زیبایش نیامد. ۳- نغمه‌های عشق و پیچ‌پیچی که گوش‌ها را می‌نوازد آرامشش را برهم نزد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد علامه فضل‌الله به‌صراحت معتقد است که گذشت روزگار باعث فراموشی سرزمین فلسطین نمی‌شود و شاعر به این موضوع در بیت نخست اشاره می‌کند. در بیت دوم، شاعر بیان می‌کند که همه‌چیز در جای خود است و فقط «الطیر» که استعاره از فلسطین است و اکنون اسیر و گرفتار رژیم صهیونیستی شده است دیگر آن زیبایی و تازگی‌ای اولیه‌اش را ندارد و در بیت سوم بیان می‌کند که صداهایی که از اطراف جهان پیرامون فراموشی فلسطین زده می‌شود و صحبت‌های که استکبار جهانی با آن گوش فلک را کر کرده است باعث نمی‌شود که فلسطین آرامش خود را از دست بدهد چرا که فلسطین برای همیشه باقی خواهد ماند.

۱- «وَالْهَوَى: أَيْنَ رَوْعَةُ الْأَمْسِ... أَيْنَ الْحُسْنُ... هَلْ غَيَّبَ الْفِرَاقُ

۲- هَلْ تَوَارَى ظِلُّ الْغَرَامِ ... وَجَفَّ النَّبْعُ مِنْهُ، فَفَارَقَ الْجَرِيَانَا»

(همان: ۱۹۹)

۱- ای عشق و آرزو: جمال و شکوه دیروز کجاست ... زیبایی کجاست ... آیا فراق و جدایی زیارو را به فراموشی سپرد. ۲- آیا سایه عشق پنهان شد ... و چشمه آن خشک شد و دیگر از آن آبی جاری نگردد.

شاعر در این ابیات از خود می‌پرسد که بعد از اشغال فلسطین شکوه و عظمت آن کجا رفته است، در بیت دوم «النَّبع» استعاره از رونق و شادابی و سرزندگی فلسطین است و شاعر از خود می‌پرسد آیا این شادی و سرزنده بودن فلسطین دیگر وجود دارد؟

۲-۱-۱- راه نجات فلسطین

علامه فضل‌الله با تأیید سخن امام خمینی (ره) در مورد اسرائیل که می‌فرماید «اسرائیل غده سرطانی است و باید از بین برود» (فضل‌الله، محمدحسین، ۱۹۸۵/۴/۲۳ م: <http://arabic.bayynat.org.lb/ArticlePage.aspx?id=6893>) به همین خاطر او بر جهاد و شهادت به‌عنوان تنها راه پیروزی مردم فلسطین تأکید می‌کند و در این باره می‌سراید:

- ۱- «وهنا، كان يبصرُ اللهبَ الدامي، دماءً مسفوحةً، ودُخانا
 ۲- ويرى، كيفَ تحمّلُ الثورةُ الكبرى، لواءَ الجهادِ حرّاً
 ۳- والشبابُ الشَّبَابُ كيفَ استنارَ الرُّوحَ منه نداؤه فتفاني
 ۴- والهتافاتُ، والعداري، وصوتُ، عربيٌّ يزلزلُ الأكوانا
 ۵- ونضالٌ دوت به صيحةُ الحقِّ... لتفدى شباؤنا الأوطانا
 ۶- يتلظى ليوقد الشُّعلةَ الأولى فيردى بها العدوَّ الجبانا»

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۲۰۱-۲۰۰)

۱- و اینجا به شعله خونین و خون‌های ریخته شده و دودها نگاه می‌کند. ۲- و می‌بیند که چگونه انقلاب بزرگ پرچم جهاد را آزادانه و محافظت شده، حمل می‌کند. ۳- و جوانان جوانان، چگونه فریاد جنگ روح و جان آنان را برای نبرد تهییج کرد و آنان کشته شدند. ۴- و فریادها، دختران و صدای عربی، هستی را می‌لرزاند. ۵- و نبردی که به وسیله آن فریاد حق منعکس می‌شود ... تا جوانانمان خود را فدای وطن کنند. ۶- شعله‌ور می‌شود تا شعله نخستین را روشن کند تا با آن دشمن ترسو را نابود کند.

از این ابیات می‌توان به اندیشه سیاسی علامه فضل‌الله درباره فلسطین پی برد. او معتقد است راه نجات فلسطین، خون و شهادت است و با قیام و انتفاضه است که می‌توان پرچم جهاد را به دست گرفت و در برابر دشمن ایستاد. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی می‌توانند این پرچم را به دست گیرند؟ او در بیت سوم و چهارم بیان می‌کند که پسران جوان و دختران و هر فریاد عربی اسلامی می‌تواند باعث به لرزه درآوردن پایه‌های رژیم اشغالگر قدس شود. او معتقد است که نبرد بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نبرد میان حق و باطل است نبردی که سرانجامش نابودی اسرائیل خواهد بود. در بیت آخر، شاعر به این نکته اشاره می‌کند که اسرائیل باوجود امکانات فراوان بازهم ترسو است. تکرار کلمات «الدما، الدماء» نشان از تأکید علامه بر تقویت روح شهادت‌طلبی به‌عنوان تنها راه نجات فلسطین دارد.

شاعر در ادامه بیان می‌کند که پیروزی مردم فلسطین نزدیک است و این فلسطینیان

هستند که در این نبرد پیروز می‌شوند:

۱- «هكذا... ثمَّ رَفَرَفَتْ... رَايَةُ النَّصْرِ... وَكَانَ الْفَتْحُ الْحَبِيبُ

۲- وَإِذَا بِالْعَدُوِّ يَفْتَحُ الْغَابَ، كَأَنْ لَمْ يَكُنْ طَرِيداً مُهَانَا

۳- وَ (فلسطين) لَمْ تُعَدْ غَيْرَ أُسْطُورَةٍ عَهْدٍ مَضَى يَشِيرُ أُسَانَا»

(همان: ۲۰۱-۲۰۰)

۱- اینچنین ... پرچم پیروزی به اهتزاز درآمد ... و پیروزی دوست‌داشتنی نزدیک شد. ۲- و هنگامی که دشمن به جنگل یورش برد، آن شکاری آسان و راحت برایش نخواهد بود. ۳- و فلسطین نیست مگر اسطوره روزگاری که گذشت، اسطوره‌ای که همواره حزن و اندوه را در ما برمی‌انگیزاند.

شاعر در این ابیات بیان می‌کند که پیروزی از آن فلسطین است و عقب‌نشینی دشمن باعث می‌شود که فلسطینیان تجدید قوا کنند و اگر اسرائیل، بار دیگر آهنگ حمله کند این بار فلسطینیان را آسان و ضعیف نخواهد یافت. در بیت دوم «الغاب» استعاره از فلسطین است؛ زیرا «الغاب» به معنی جنگل است و جنگل، محل زندگی شیر است؛ بنابراین، شاعر بیان می‌کند که کسانی که در فلسطین زندگی می‌کنند همچون شیرانی درنده هستند. در بیت آخر، شاعر بیان می‌کند که نام فلسطین همواره با حزن و اندوه همراه است؛ «زیرا ظلمی که در این سال‌ها پس از جنگ جهانی دوم بر عرب فلسطین رفته است، بر هیچ ملتی نرفته است: آوارگی، عذاب، شکنجه، هراس و دلهره‌ای که همواره آنان را در این سال‌ها تهدید کرده است، غارت‌ها و قتل‌عام‌های اسرائیل که از کفر قاسم و دیر یاسین اسطوره‌هایی برای تاریخ قتل‌عام بی‌گناهان ساخته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰).

علامه فضل‌الله، راه‌حل مسئله فلسطین را تنها در قیام و مبارزه بی‌وقفه می‌داند و به همین خاطر همه را به قیام علیه رژیم صهیونیستی فرامی‌خواند و این دعوت او نیز ریشه در باورهای دینی‌اش دارد:

۱- «الْحَلُّ - يَجْلَادُ- فِي الْكُتْبَانِ فِي السَّهْلِ الْوَسِيِّعِ

۲- فِي أَرْضِ (يَافَا) فِي (الْخَلِيلِ) وَ فِي الْجَدَاوِلِ وَ الزَّرُوعِ

۳- فی ثورۃ روحیة حمراء تَهزأُ بالجمیع
 ۴- تَجتاحُ جَیْشَ الغاصبِینَ بعزمۃ الحقِّ

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۲۱۷)

۱- ای ستمگر! راه‌حل در تپه‌های شنی در دشت‌های پهناور است. ۲- در سرزمین «یافا» در «الخلیل» در جویبارها و کشتزارها است. ۳- در انقلاب و قیامی خونین و سرخ است که همه چیز را می‌لرزاند. ۴- و ارتش اشغالگر را با اراده شکست‌ناپذیر خداوند از بین می‌برد.

شاعر در این ابیات به صراحت، راه‌حل فلسطین را در زمین مبارزه (الکتابان، السهل، أرض...) می‌داند و نه در مذاکره و در ادامه از «ثورة» قیام و مبارزه به عنوان راه‌حل مسئله فلسطین نام می‌برد و نیرو و توان قیام او ریشه در اعتقاد به خداوند «الحق» دارد؛ یعنی از نگاه شاعر مبارزه و جهاد خونینی که ریشه در باورهای الهی دارد، راه‌حل مسئله فلسطین است.

۲-۱-۲- علّت شکست فلسطین

علامه علل شکست فلسطینیان را چنین بازگو می‌کند:

۱- «ذُنُبنا اَنّا ابتعدنا عن الله وعشنا مع الطریق حیاری
 ۲- وَفَقَدنا اِیماننا وَمَشینا نَقَطعُ الدربَ خِلِسةً وَ فرارا
 ۳- لا رقیباً هنا فَمَنْ یعرفُ الخائن؟ مَنْ ذا یخافُه اِنْ تواری؟
 ۴- وَاذا عاشت الحیاةُ مع الأطماعِ فارَقَبُ مصیرها المُنهارا»

(فضل‌الله، ۲۰۰۰ م: ۸۴)

۱- گناه ما این است که ما از خدا دور شده‌ایم و در سرگرانی و گمراهی زندگی می‌کنیم. ۲- و ایمانمان را از دست داده‌ایم و راه می‌رویم و دزدانه راه را طی می‌کنیم و از واقعیت فرار می‌کنیم. ۳- هیچ نگهبانی اینجا نیست! چه کسی خیانت کار را می‌شناسد؟ چه کسی از آن می‌ترسد؛ هر چند پنهان شود؟ ۴- و اگر زندگی با طمع و حرص همراه شود منتظر باش که عاقبت آن فرومی‌پاشد.

علامه فضل الله علل شکست فلسطینیان را در بیت اوّل و دوم، فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام و خدا (ابتعدنا عن الله، وَفَقَدْنَا إِيمَانَنَا) و در بیت سوم، فرمانروایی حاکمان خائن (الخائن) و در بیت چهارم، فرورفتن جامعه در طمع و حرص (الحياة مع الأطماع) می‌داند.

۲-۱-۳- دیدگاه علامه فضل الله در مورد طرح صلح با اسرائیل

دیدگاه علامه فضل الله در مورد صلح و سازش با دشمن، ریشه‌ای قرآنی دارد؛ همان‌طور که او خود می‌گوید: «صلح در مفهوم ما آن صلحی است که در زندگی همراه با عدالت باشد؛ زیرا صلح با ظلم معنی ندارد، هر کس به تو ظلم کند بر تو واجب است که با تمام توان به ظلم او پاسخ‌دهی و هر کس با عدالت با تو رفتار کرد تو نیز با عدالت با او برخورد کن» (فضل الله، ۱۹۹۷: ۲۲۸) این همان سخنی است که خداوند در قرآن بیان فرموده است: (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ)؛ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه، ۸ و ۹)؛ به همین خاطر علامه فضل الله در اشعارش به کسانی که ناآگاهانه بحث صلح و سازش با دشمن را مطرح می‌کنند انتقاد می‌کند و می‌گوید:

- ۱- «كُلُّ يَغْمَعِمٌ بِالسَّلَامِ وَ لَيْسَ بَيْنَ الْقَوْمِ حُرٌّ
- ۲- لَيْسَ السَّلَامُ بِأَنْ تَحْطَمَ خَالِدًا لِيَجِيءَ عَمْرُو
- ۳- وَتَسِيرَ خَلْفَ سَرَابِهِ الْبَرَّاقِ فِي حُلْمٍ يَغْرُ
- ۴- لَا يُهْتَدَىٰ فِيهِ الْمَصِيرُ وَ لَيْسَ يُعْرَفُ مَا الْمَفْرُ»

(فضل الله، ۲۰۰۱ م: ۲۷۸)

- ۱- در زیر لب و به‌طور نامفهوم از صلح سخن می‌گویند؛ درحالی‌که بین این قوم آزاده‌ای نیست.
- ۲- صلح این نیست که خالد را از بین ببری تا عمر بیاید. ۳- و در پشت سراب برآتش در رؤیاهای فریبنده حرکت کنی. ۴- سرنوشت در آن فهمیده نمی‌شود و گریزگاه شناخته نمی‌شود.

شاعر در این ابیات با انتقاد از طراحان صلح با دشمن بیان می‌کند که صلح، راه‌حل نیست؛ زیرا در طرف مقابل آن رژیم ظالم اسرائیل است که از عدالت و برابری دور است؛ بنابراین در این صلح، آزادی و برابری وجود ندارد و از این سازش به‌عنوان فریب و نقشه دشمن یاد می‌کند که با آن، سرنوشت فلسطین مشخص نمی‌شود.

۲-۲- عشق به وطن

عشق به وطن - که همواره زمینه‌ساز پایداری در برابر دشمن است- در اشعار علامه فضل‌الله موج می‌زند؛ البته این تنها علامه فضل‌الله نیست که در میان شاعران معاصر عربی به وطن توجه کرده و اشعارش را با عشق به وطن می‌آراید؛ «زیرا دوره معاصر ادب عربی، چون دیگر ادبیات مشرق زمین، به دلیل رشد حرکت‌های استقلال‌طلبانه از دولت‌های بیگانه یا دولت‌های استعمارگر منطقه‌ای، شعر وطنی و دفاع از وطن را در خود جای داده است و بدان توجه نموده است» (حجازی، ۱۳۸۹: ۴۴). علامه فضل‌الله نیز از این قاعده مستثنی نیست. هنگامی که شاعر از وطنش صحبت می‌کند به آن رنگی دینی می‌دهد و عشق به وطن را با دین گره می‌زند. او وطنش را دوست دارد؛ زیرا آن سرزمینی است برای خدمت به دین و هنگامی که از زیبایی وطنش سخن می‌گوید، عظمت و بزرگی پروردگار را یادآور می‌شود و به ستایش خداوند می‌پردازد. شاعر در قصیده «یا بلادی» به این موضوع اشاره می‌کند:

۱- «یا بلادی و هل أرى فيك إلا
مُنظراً يترُكُ العقولَ حَيَّارِي

۲- أنتِ رمزُ الجمالِ في الكونِ إِمَّا
جعلوا فيه للجمالِ شعاعا

۳- ومشارُ الشعورِ والوحيِ إِمَّا
فَقَدَ الشاعرُ الطُّروبَ المَثارا

۴- مُتَلَّتْ فيكِ روعةُ المبدعِ
لى... روى الفنَّ روضةً معطارا

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۲۲۳)

۱- ای سرزمین من! در تو جز منظره‌ای که عقل‌ها از درک آن حیران هستند، چیز دیگری نمی‌بینم. ۲- اگر در جهان و هستی برای زیبایی علامت و نشانه‌ای قراردادند تو در جهان همان رمز زیبایی هستی. ۳- اگر شاعر سرزنده و شاد، انگیزه را از دست دهد تو محرک و انگیزه احساسات و

وحی هستی. ۴- جمال و شکوه پدیدآورنده بزرگ در تو مجسم شده است، تو رؤیای هنر و همچون باغی خوشبو هستی.

علامه فضل‌الله درجایی دیگر بیان می‌کند که او برای حفظ وطنش حاضر است که جانش را با جهاد در راه خدا فدا کند:

«وَطْنِي فِدَيْتُكَ بِالْدمَاءِ، لِأَرَى عِلْمَ الْجِهَادِ، يَرِفُ فَوْقَ دَمِي» (همان: ۲۳۷)

ای وطنم! خونم فدای تو باد! تا پرچم جهاد را در بالای خونم بینم که به اهتزاز درمی‌آید. از دیدگاه او کشور و وطن یعنی همه کشورهای اسلامی و نباید اجازه داد تا بیگانگان به کشورهای اسلامی نفوذ کنند:

۱- «إِنَّ الْبِلَادَ إِذَا غَدَتْ تَمَرًا لِلْأَجْنِبِيِّ أَعَادَهَا دِمْنَا

۲- وَطْنِي تَلَقَّتْ إِنْ شَرَذَمَةً عَادَتْ إِلَيْكَ تُؤَلِّهُ الْوَتْنَا

۳- وَتُحَطَّمُ الرُّوحَ الَّتِي أَنْثَقْتُ عَنْ وَحْدَةٍ تَتَعَهَّدُ الْوَطْنَا

۴- فَاقْطَعْ أَنْامِلَهَا فَقَدْ بِحَيَاتِنَا وَتَرَشُّفَتْ دِمْنَا»

(همان: ۲۳۰ و ۲۳۱)

۱- اگر کشورها میوه‌ای برای بیگانگان شوند آن را به ویرانه‌ای تبدیل می‌کنند. ۲- ای وطنم نگاهی به اطراف بینداز که چگونه گروهی کوچک به سوی تو روی آورده‌اند و بت را به خدایی گرفته‌اند. ۳- و می‌خواهند روحی را که از اتحاد و وحدت سرچشمه گرفته است و به وطنش متعهد است خرد کنند. ۴- انگشتانش را قطع کن! زیرا زندگی ما را به ریشخند گرفته‌اند و خون ما را می‌مکنند.

در بیت نخست، شاعر از کلمه «البلاد» به صورت جمع استفاده کرده است؛ زیرا او تنها درباره کشور خودش صحبت نمی‌کند بلکه تمام کشورهای اسلامی را هدف قرار می‌دهد. او در بیت سوم و چهارم بیان می‌کند که هدف استعمار، ضربه زدن به وحدت میان مردمان یک کشور و چپاول ثروت‌های آنهاست. او از مردم وطنش می‌خواهد که دست این متجاوزان را قطع کنند و در ادامه می‌گوید که جوانان می‌توانند با قدرت و توان خود به کمک کشورشان بیایند و آنها نجات دهند:

- ۱- «هذا الشبابُ وفي سواعيدهِ دَفءٌ يَهْزُ الرُّوحَ وَالْبَدَنَا
 ۲- وَنَعُودُ نَمْرَحُ فِي ثَرَاكِ كُنَّا نَغَاظِلُ بِاسْمِكَ الزَّمَنَا»

(همان: ۲۳۱-۲۳۰)

- ۱- این جوانان در حالی که در بازوانشان گرمی و نیرویی است که جان و جسم را می‌لرزاندند.
 ۲- ما برمی‌گردیم و در خاکت شادی می‌کنیم همان‌طور که با اسم تو زمان‌های زیادی در گشایش و راحتی بودیم.

همان‌طور که بیان شد، وطن در نگاه علامه فضل‌الله، تنها لبنان نیست؛ بلکه او رسالتی انسانی در خود احساس می‌کند و هر جا که مورد ظلم و ستم مستکبران باشد، آنجا وطنش است و به دفاع از آن می‌پردازد. او از انقلاب ایران (همان: ۳۴۹ و ۳۷۱) و مظلومیت بحرین سخن گفته است (همان: ۴۰۳) شاعر در قصیده «من هنا نبداها» به ظلم و ستمی که بر مصر آمده است، اشاره می‌کند:

- ۱- «هذه مصرٌ وَقَدْ عاشتْ مَعَ وَ الطُّغْيَانِ اِيَّاماً طَوَالَا
 ۲- وَ رَأَتْ كَيْفَ تَحَدَّى غاصِبٌ عِزَّةَ النَّيْلِ... اغْتِصَاباً»

(همان: ۲۲۲)

- ۱- این مصر است که سال‌های طولانی در ظلم و سرکشی دشمنان زندگی کرده است.
 ۲- و دید که چگونه اشغالگری عزت نیل را به مبارزه طلبیده است و آن را اشغال کرده است.
 در ادامه مردم مصر را به ساختن مصر جدید فرامی‌خواند تا آن را بهتر و محکم‌تر از گذشته بسازند:

- ۱- «إِنَّهَا عَادَتْ لِتَبْنِي مَجْدَهَا شامخاً كَالطُّودِ حُرّاً لَنْ يَنَالَا
 ۲- صامداً كَالدَّهْرِ مَهْمَا حَوْلَهُ الدُّنْيَا فَلَنْ يَخْشَى»

(همان: ۲۲۲)

- ۱- مصر با مردمانش بازگشت تا مجد و عظمتش را بار دیگر همچون کوه بلند و استوار بسازد کوه بلندی که دست نیافتی است.
 ۲- مصر همچون روزگار پابرجاست؛ هرچند که دنیا در اطرافش به لرزه افتد، او هرگز زوال و نابودی ندارد.

همه این ابیات، نشان از درک صحیح علامه فضل‌الله از روزگارش و کشورهای اسلامی دارد و او با این درک عالمانه موج بیداری اسلامی را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کرد.

۲-۳- بازگشت به اسلام و دعوت به وحدت

«علامه فضل‌الله یکی از اولویت‌های امروز جهان اسلام را موضوع وحدت میان مسلمانان می‌داند و منظور او از وحدت اسلامی، وحدت میان مذاهب نیست؛ بلکه منظور این است که مسلمانان در موضوعات مشترک همچون مسئله فلسطین در برابر دشمن خارجی وحدت داشته باشند» (غسان، ۲۰۰۱ م: ۱۶۴) او همه را به بازگشت به اندیشه‌های اسلامی و ایجاد وحدت در میان مسلمانان برای رهایی از ظلم و ستم دعوت می‌کند؛ زیرا از دیدگاه او این اسلام است که به مسلمانان عزت و کرامت داده است و اسلام را سبب آزادی مسلمانان می‌داند؛ زیرا اسلام، تبعیض و نژادپرستی را نمی‌پذیرد و مجد و بزرگی را بر اساس تقوی و جهاد در راه خدا قرار می‌دهد؛ نه بر اساس نژاد و سرزمین و تاریخ:

«شعارنا ... أَنَا هُنَا نُوحِدُ الْإِلَهَ / إِسْلَامُنَا تَحْرُرٌ وَمَبْدَأُ انْعِتَاقٍ / لَا عُنْصَرِيَّاتٌ وَلَا مِبَادِيءَ انْشِقَاقٍ / لَكِنَّهَا عَقِيدَةٌ تُحْطَمُ الشَّقَاقُ / وَتَلْعَنُ النِّفَاقُ / الْمَجْدُ لِلتَّقْوَى ... وَلِلْجِهَادِ فِي السِّبَاقِ / لَا الدَّمُ ... لَا الْأَرْضُ ... وَلَا التَّارِيخُ» (فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۲۱)

شعار ما این است که ما به یگانگی خداوند ایمان داریم/ اسلام ما سرآغاز آزادی است/ طرفدار نژادپرستی و جدایی نیست/ عقیده‌مان از بین بردن اختلاف و شکاف میان مردم و رسیدن به وحدت است/ عقیده‌ای که ریا را نفرین می‌کند/ مجد و بزرگی از آن کسی که تقوی پیشه کند و در میدان نبرد جهاد کند/ و مجد و بزرگی به خون و زمین تاریخ نیست.

از نگاه شاعر شعار اسلام، دعوت به یکتاپرستی و وحدت کلمه و اجتناب از تفرقه و ریا است. عبارت «الْمَجْدُ لِلتَّقْوَى» اشاره به آیه: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (حجرات: ۱۳) دارد که در اسلام ارزش هر انسان به تقوای اوست و نه به نژاد او.

در قصیده «عندما یکتبُ تاریخُ الحضارة» علامه فضل‌الله به ویژگی‌های یک مسلمان

اشاره می‌کند و می‌سراید:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ لَدَى حُكْمِ الرَّعِيَّةِ / لَيْسَ لِلْأَلْوَانِ فِي الدِّينِ امْتِيَاظٌ أَوْ فَضِيلَةٌ / كُنَّا
مِنْ آدَمٍ مِنْ عُنْصُرِ الْأَرْضِ الْجَمِيلَةِ / نَحْنُ أَخُوهُ / وَ عَلَامَ الْحِقْدِ وَ الْبَغْضَاءِ يَحْدُونَا بِقَسْوَةٍ /
فَلْنُوْحِدْ خَطُونَا» (فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۳۵-۱۳۴)

همه شما سرپرست [جامعه] و همه شما مسئول شهروندان هستید/ رنگ انسان‌ها در دین امتیاز و برتری ندارد/ همه ما از حضرت آدم و خاک هستیم/ ما باهم برادریم/ کینه و دشمنی تا کی ما را به خشونت و سختگیری تحریک می‌کند/ پس باید گام ما یکی باشد.
مسلمانان همه سرپرست یکدیگر و همه در برابر یکدیگر مسئول هستند، امتیاز یک مسلمان به رنگ و نژاد او نیست؛ بلکه همه ما فرزندان حضرت آدم هستیم. مسلمانان از اختلاف و کینه باید پرهیز کنند و باید با یکدیگر وحدت داشته و برای به رفع مشکلات مستضعفین بکوشند.

شاعر در این ابیات از ضمیر جمع (کُم، نا، نحن) بسیار استفاده کرده است که خود، دلالت بر تأکید ایشان بر وحدت میان مسلمان می‌کند؛ همچنین، عبارت نخستین آن یادآور حدیث پیامبر اسلام (ص) است که می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹/۷۲). در قصیده «أنشودة للسائرين في طريق الله» بار دیگر بر وحدت و توجه به مسائل مردم تأکید می‌کند:

علامه فضل‌الله در قصیده «عودوا إلى الإسلام» در پاسخ به کسانی که می‌گویند دوره

اسلام و اهداف و برنامه‌های آن به پایان رسیده است می‌گوید:

- ۱- «قلتم لنا... والجهل يُنْضَحُ مِنْ كَلِمَاتِكُمْ... فِي اللَّفْظِ وَالْمَعْنَى
- ۲- «وَأَسْتُنْفِدَتْ أَغْرَاضَهُ فَعَدَا ذِكْرِي وَتَارِيخًا نَعْنَى
- ۳- «الدِّينُ عَاشٍ... لِتَرْتَقِيَ صُعْدًا دَرْبَ السَّعَادَةِ أَيَّمَا عِشْنَا
- ۴- «عُودُوا إِلَى الْإِسْلَامِ إِنَّ سِرَّ الْحَضَارَةِ إِنَّ تَعَمَّقْنَا»

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۵۵-۱۵۴)

۱- در لفظ و معنی به ما گفتید درحالی که سخن شما سراسر از روی جهل و نادانی است. ۲- اینکه اسلام اهدافش به پایان رسیده است و به تاریخ پیوسته است. ۳- اما اسلام دین زنده است تا هر جا که بخواهیم زندگی کنیم با آن پله‌های سعادت را بالا رویم. ۴- به اسلام برگردید؛ زیرا اگر عمیقاً فکر کنید راز تمدن ما به اسلام وابسته است.

علامه در این ابیات در پاسخ به کسانی که می‌گویند دوره اسلام به پایان رسیده است آنها را به اندیشه‌های ناب اسلامی دعوت می‌کند و بیان می‌کند که اسلام همیشه زنده است؛ زیرا اسلام، دین سعادت و خوشبختی، دین صلح و آزادی است؛ دینی است که ما را از گمراهی و تاریکی جهالت نجات داد و اگر امروز تمدنی برای ما مانده است به خاطر اسلام است. از نظر علامه در فردایی که جهان گرفتار پوچی و فنا می‌شود، این دین است که زندگی را برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

۲-۴- قیام علیه حاکمان جور و ستم

علامه فضل‌الله همواره بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید داشت و معتقد بود که اگر کشوری بخواهد از سلطه ظلم و ستم ظالمان رهایی یابد، باید مردمش علیه حاکمان خود قیام کنند؛ زیرا خداوند نیز سرنوشت قومی را تغییر نخواهد داد، مگر اینکه خود خواهان تغییر باشند:

«ما غَیَّرَ اللهُ الحَیَاةَ عَلَیْ أَجْوَانِنَا حَتَّى تَغَیِّرَنَا» (فضل‌الله، ۲۰۰۱ م، ۱۵۵)

خداوند زندگی ما را تغییر نخواهد داد؛ مگر اینکه ما نیز تغییر کنیم.

این بیت، یادآور این آیه شریف است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱). علامه فضل‌الله، ظلمی را که بر کشورش وارد می‌شود احساس می‌کند و زورگویان را از روز قیامت می‌ترساند؛ زیرا ظلم و ستم آنان نفعی برایشان ندارد:

«فی طریقی لَمَحَتْ كُلُّ رُؤْیِ الظُّلْمِ لَدَى أُمَّتِی فِی فِیاضِ
أَیَّهَا الْأَقْوِیَاءُ هَلْ تَنْفَعُ الْقُوَّةُ فِی مَوْعِدِ الْحِسَابِ

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۴۰۲)

۱- همه ظلم و ستمی که بر امتم فرود آمده است را دیدم و چشمانم پر از اشک شد. ۲- ای قدرتمندان آیا قدرت در روز حساب سودی دارد.

او به حاکمانی که ملت‌ها را ملک پدری خود می‌دانند و احکام خدا را رها کرده‌اند و گوش به فرمان و مطیع بیگانگان هستند، به شدت حمله می‌کند؛ به طوری که کمتر مانند آن را در میان شاعران دیگر می‌بینیم:

۱- «وَوَرِيثٍ لِلْحَكْمِ يَحْسَبُ أَنَّ الشَّعْبَ مُلْكٌ لِحَدِّهِ

۲- يتسلى به ليملاً لهو العمر من بؤسٍ —

۳- و يرى العدل مِحْنَةً منه للناس وحقاً لكل من

(فضل‌الله، ۲۰۰۰ م: ۸۰)

۱- چه بسیار وراثتی که ملت را ملک پدربزرگ و پدر خود می‌داند. ۲- با آن آرامش می‌یابد تا با سوءاستفاده از بیچارگی ملت سراسر عمر را در هوس‌بازی بگذرانند. ۳- چنین حاکمی عدالت را بخششی از طرف خود برای مردم می‌داند؛ آن هم به هر کس که خود انتخاب کند.

در بیت نخست شاعر به موروثی بودن قدرت و حکومت حاکمان ظالم کشورهای اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید که این حاکمان از بیچارگی مردم سوءاستفاده می‌کنند و عدالت را برای هر که خود بخواهند اجرا می‌کنند. در ادامه شاعر می‌گوید که این حاکمان علت بدبختی ملت‌ها و عقب‌ماندگی آن‌ها هستند اینها هستند که با تسلیم شدن در برابر بیگانگان مصیبت‌های زیادی را برای ملت‌های خود به وجود آورده‌اند:

۱- «إِنَّهُمْ سِرٌّ جُرْحِنَا، سِرٌّ بَلَوَى جِيلِنَا فِي صَبَاحِنَا وَمَسَانَا

۲- يَخْتَفِي الأَجْنِبِيُّ فِيهِمْ فَهُمْ خَلْفَ المَآسِي التِي أَضَاعَت

(همان: ۸۱)

۱- این حاکمان راز درد و زخم ما هستند، آن‌ها همواره راز مصیبت نسل و فرزندان ما هستند. ۲- بیگانگان در میان آنها پنهان می‌شوند و آنها در پشت ترازدی‌هایی هستند که گام‌های ما را از بین می‌برند.

علامه فضل‌الله کسانی را که در برابر حاکمان ظالم تسلیم می‌شوند و به ستایش آنها می‌پردازند، شریک جنایات حاکمان می‌داند:

«ذُنُبْنَا أَنَّنَا نَقْدُسُ أَصْنَاماً وَنَحْنِي لَهُمْ مَصِيرَ الْبِلَادِ»

(همان: ۸۱)

گناه ما این است که بت‌هایی را می‌ستاییم و سرنوشت کشور را برای آنها تغییر می‌دهیم. در اینجا مراد از «بت‌ها» همان حاکمان ظالم و مفسد است.

۲-۴-۱- علامه فضل‌الله و سیاست

علامه فضل‌الله، مرجعی دینی و ادیبی بزرگ بود که همواره به مسائل و مشکلات مردم و دردها و رنج‌های آنها توجه می‌کرد. او از سیاستمدارانی که به دنبال قدرت و حکومت بر مردم بودند، به شدت انتقاد می‌کرد و می‌توان او را سیاستمداری ناامید که سیاست‌زده نبود:

۱- ما لنا والدخول بين السلاطـ — من فهذی طریقة الغوغاء

۲- نحن لا نفهم السياسة — رُكُّ خُطَاها لِغُصْبَةِ الزُّعَمَاءِ»

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۷۴)

۱- ما را چه به ورود در بین حاکمان! زیرا این شیوه هیاهوکنندگان است. ۲- ما سیاست را نمی‌دانیم؛ به همین خاطر باید آنها را برای گروه رئیس‌ان و اهلش واگذاریم.

این کلام علامه فضل‌الله درباره سیاست به معنای بی‌توجهی او درباره مسائل مهم روزگارش نیست؛ بلکه او از سیاستی که به دنبال حکومت بر مردم و استثمار آنها باشد، متنفر بود. «علامه فضل‌الله از بی‌توجهی سازمان اجلاس اسلامی در برابر مسائل جهان اسلام به شدت انتقاد می‌کند و می‌گوید چه زمانی آنها از خواب غفلت بیدار می‌شوند و در برابر غرب و کشورهای زورگو ایستادگی می‌کنند و چرا با این همه قدرت و توان، توانایی رویارویی با غرب را ندارند؛ به همین خاطر از رهبران کشورهای اسلامی می‌خواهد اگر نمی‌توانند مشکل جهان اسلام را حل کنند، این سازمان کشورهای اسلامی را منحل کنند و

خود نیز استعفا کنند.» (فضل‌الله، ۲۰۰۶ خ: ۱۲۴) به همین خاطر علامه فضل‌الله در جای جای دیوانش درباره قیام علیه ظلم و ستم سخن می‌گوید، او درباره کودتای ضد سلطنتی عراق در سال ۱۹۵۸ م که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی عراق گردید به اهمیت قیام و شورش علیه ظلم و ستم اشاره می‌کند:

- ۱- «یا ثورَةَ عَاشَتْ فِي رَوْعَةِ الْحُلْمِ
 ۲- أَرَادَهَا اللَّهُ لَنَا فَانْبَرَتْ تُرْدِي قُوَى الظلم»

(فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۲۱۱)

۱- ای انقلابی که در اعماق وجودمان و در شکوه رؤیایمان زندگی کرد. ۲- خداوند آن را برای ما خواست پس انقلاب تصمیم گرفت نیروهای ظلم را نابود سازد. علامه فضل‌الله در پیامی به اجلاس «جمعیه التوعیه الإسلامیه» که در بحرین برگزار گردیده بود درباره بحرین می‌سراید:

- ۱- «وَرَجَعْنَا... وَكَانَ لِلدِّينِ فِي الْبَحْرَيْنِ عِبْرَ الشَّبَابِ
 ۲- وَ يَتَوَرُّ التَّارِيخُ فِي كُلِّ قَلْبٍ لِيَعِيشَ التَّارِيخُ
 ۳- أُمَّةٌ تَسْتَفِيقُ... تَسْتَلْهُمُ الْإِسْلَامَ فِي ثَوْرَةٍ
 ۴- وَ غَدًا يُشْرِقُ الْجِهَادُ عَلَى الدُّنْيَا وَيَهْوِي الطَّغْيَانُ فِي كُلِّ

(همان: ۴۰۳)

۱- و برگشتیم و دین در بحرین از طریق جوانان، دوران فکر و اندیشه داشت. ۲- و تاریخ در هر قلبی به جوش می‌آید تا تاریخ انقلاب آزادی را زنده کند. ۳- بحرین، امتی است که بیدار می‌شود و اسلام را در انقلابی همراه با بیداری و صبر می‌خواهد. ۴- و فردا جهاد بر دنیا طلوع می‌کند و سرکشی در هر کاخی فرومی‌ریزد.

شاعر در این ابیات، بحرین را کشوری با جوانان دین‌دار، مردمی بیدار و آماده قیام معرفی می‌کند که با بیداری و صبر خواهان اسلام هستند و آنان را به جهادی نزدیک علیه ظلم و ستم وعده می‌دهد که کاخ ظالمان را واژگون می‌کند. بار دیگر در این ابیات می‌توان مشاهده کرد که چگونه علامه فضل‌الله موج بیداری اسلامی را در کشورهای اسلامی پیش‌بینی می‌کرده است.

۲-۴-۲- هشدار علامه فضل الله نسبت به خطر تجزیه کشورهای اسلامی

علامه فضل الله یکی از مشکلات امروز جهان اسلام را این می‌داند که ۹۵٪ نیرو و توان کشورهای اسلامی بدون استفاده است و ۵٪ نیروی باقی‌مانده را نیز در درگیری با یکدیگر بکار گرفته‌اند. (فضل الله، ۱۹۸۵/۴/۲۳ م: <http://arabic.bayynat.org.lb/ArticlePage.aspx?id=6893>). شاعر برای

بیان خطر تجزیه کشورهای اسلامی از استفهام انکاری استفاده می‌کند و می‌سراید:

۱- «أین طاقاتنا التي تتحدى الجهل والظلم والظلام»

۲- بددوها أمام كلِّ الرئاسات التي توسع الشعوب

۳- وأقاموا باسم الكرامة والعزة في ملتقى الطريق

۴- فإذا كلُّ دولة بضع أمتارٍ يثير الصراع فيها

(فضل الله، ۲۰۰۰ م: ۱۱۲)

۱- نیروها و توان ما که جهل و ظلم و تاریکی را به مبارزه می‌طلبید کجاست. ۲- این نیروها و توانایی‌ها را در برابر رهبری‌هایی هدر دادند که ملت‌ها را به قصد پراکندگی گسترش دادند. ۳- و به نام کرامت و عزت مرزهایی برای ملت‌ها ایجاد کردند. ۴- هنگامی که هر دولتی چند متر باشد [کنایه از اینکه کوچک باشد] درگیری در میان آنها سربازانی را برمی‌انگیزاند.

علامه فضل الله در این ابیات از پراکندگی امت‌های اسلامی و عدم استفاده از نیرو و توان خود و از اینکه به کشورهای کوچک تبدیل شده‌اند انتقاد می‌کند. شاعر در بیت سوم بیان می‌کند که دشمنان به بهانه ایجاد عزت و کرامت برای مردم کشورهای آنها را تجزیه می‌کنند و می‌گویند وقتی آنها به کشورهای کوچک تقسیم شوند، دشمن از ضعف قدرت آنها استفاده می‌کند و همواره بر آنها ظلم می‌کند.

۲-۵- شهید و روح وحدت و ظلم‌ستیزی

دیدگاه علامه فضل الله در مورد شهید و شهادت، ریشه در اندیشه‌های دینی و قرآنی او دارد. علامه فضل الله در رثاء شهدای پنجگانه (شهیدان شیخ عارف بصری، سید عزالدین

قبانجی، سید حسین جلوخان، سید عماد تبریزی و سید نوری طعمه) که به دست رژیم بعث عراق در سال ۱۳۹۴ ق/۱۹۷۴ م به شهادت رسیدند، قصیده‌ای به نام «کربلاء فی بغداد» دارد. وی در آن قصیده معتقد است که شهید با شهادت و جاری شدن خونس، روح مقاومت و ایستادگی را زنده می‌کند و امید به آینده و زندگی بهتر را احیاء می‌کند و راه او برای همیشه باقی خواهد ماند و فکر او باعث ویرانی کاخ ظلم و ستم می‌شود و یخ‌های تاریکی را ذوب می‌کند و فردای روشنی را با خود به همراه دارد.

«سَتَّبِقِي لَنَا / سَتَحِيَا لَنَا / وَتَبْقَى حَيَاتُكَ فِي الدَّرْبِ قُوَّةً / وَ تُحْيِي نَجَاوَاك فِي الرُّوحِ جُدُوَّةً / وَ فِي الْفَجْرِ يُشْرِقُ رُوحٌ جَدِيدٌ / وَ فِي الشَّمْسِ سَوْفَ يَذُوبُ الْجَلِيدُ / وَ يَهْوِي الظَّلَامُ / وَ تَنْهَارُ كُلُّ جِبَالِ الظَّلَامِ» (فضل‌الله، ۲۰۰۱ م: ۱۵۱)

«برای ما باقی می‌مانی / برای ما زنده می‌مانی / و زندگی‌ات در راه جهاد و مقاومت، مقتدرانه ادامه خواهد داشت / نجوای تو در روح انسان آتش انتقام را زنده می‌کند / و در سپیده‌دم پیروزی، جان و روح جدیدی می‌درخشد / و در پرتو خورشید، یخ ظلم و ستم آب می‌شود / تاریکی استبداد از بین می‌رود / و کوه‌های تاریکی فرومی‌ریزد».

منظور از «جُدُوَّة» در اینجا شعله آتش انتقام است؛ یعنی قیام و انقلاب، همچون شعله آتش پایه‌های استبداد را می‌سوزانند. «الفجر» نیز از معنای اصلی خود خارج شده و استعاره از صبح پیروزی است؛ همچنین کلمه «الشمس» نیز استعاره از شور و هیجان انقلاب و قیام است؛ یعنی شور و هیجان مردم در قیام علیه ظلم و ستم همچون حرارت خورشیدی است که «جلید» یخ‌های استبداد را آب می‌کند. کلمات «الجلید» و «جبال الظلام» استعاره از استبداد است.

عبارت «سَتَّبِقِي لَنَا / سَتَحِيَا لَنَا» اشاره به این آیه از قرآن دارد که شهیدان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)

از دیدگاه علامه شهید با ریختن خون خود باعث ایجاد وحدت در میان ملت می‌شود:

«إلى الأمة الواحدة/ دِمَاءُ دِمَاءٍ دِمَاءٌ/ وَ يَبْقَى هُنَا الْوَحْشُ يُعَوِي وَيَعْوِي/ لِيَمْتَصَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ هُنَا/ دِمَاءٌ جَدِيدَةً» (فضل الله، ۲۰۰۱ م: ۱۶۵)

«پیش به سوی اُمّت متحد/ خون خون/ اینجا افراد وحشی درنده باقی هستند و همچون سگ‌ها پارس می‌کنند/ تا اینجا هر روزی، خون جدیدی را بمکند».

شاعر در اینجا اشاره می‌کند که شهید منادی وحدت و اتحاد میان مردم است؛ زیرا تنها با اتحاد و وحدت است که می‌توان بر ظالمان و حاکمان فاسد که همواره با ظلم و ستم خود خون مردم را می‌مکند، غلبه کرد. «الوحش» در اینجا استعاره مصرّحه از حاکمان فاسد و ظالم است که همچون سگ پارس می‌کنند.

شهید با خونش دردهای و مشکلات جامعه را از بین می‌برد: «لَنْ يَشِيلَ الْأَسَى خُطَانًا، فَقَدْ نَحِيًا لِنَمْحُو آلامنا بدمانا» (فضل الله، ۲۰۰۰ م: ۸۴) اندوه گام‌های استوار ما را ناتوان نخواهد کرد، زنده می‌مانیم تا دردها را با خون‌هایم از بین ببریم.

۳- نتیجه‌گیری

از این مقاله می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

- ۱- از آنجا که اشعار علامه فضل‌الله، ریشه در افکار اسلامی او دارد، به همین خاطر، اشعار او همیشه زنده و تازه است. او در اشعار خود به مسائل و مشکلات جامعه‌ای اسلامی پرداخته است؛ به طوری که خواننده احساس می‌کند که گویی علامه زنده است و مشکلات امروز ما را می‌بیند.
- ۲- با مطالعه اشعار علامه فضل‌الله می‌توان به درک صحیح او از مسائل جهان اسلام و پیش‌بینی او از موج بیداری اسلامی پی برد.
- ۳- وطن در دیدگاه علامه فضل‌الله یعنی همه کشورهای اسلامی. وی وطن را فقط به لبنان خلاصه نمی‌کند و به مشکلات مردم مصر، عراق، بحرین و انقلاب اسلامی ایران نیز اشاره می‌کند.

- ۴- علامه فضل‌الله، ریشه همه بدبختی جامعه اسلامی را در پراکندگی آنها و تبدیل شدن آنها به کشورهای کوچک می‌داند؛ به همین خاطر، مسلمانان را به وحدت و انسجام دعوت می‌کند.
- ۵- یکی دیگر از مشکلات مسلمانان را دوری از احکام اسلام و خدا می‌داند؛ به همین خاطر طرح دعوت به اسلام و اجرای احکام اسلامی را مطرح می‌کند.
- ۶- علامه فضل‌الله از حاکمان و رهبران دست‌نشانده کشورهای اسلامی به‌عنوان یکی از عوامل عقب‌ماندگی آنها نام می‌برد و مردم را به قیام علیه آنها دعوت می‌کند.
- ۷- از دیدگاه علامه فضل‌الله تنها راه نجات فلسطین را جهاد و مقاومت در برابر اسرائیل می‌داند و از طرح صلح با اسرائیل به‌شدت انتقاد می‌کند.
- ۸- او در اشعار خود به نقش شهیدان در جامعه به‌عنوان اسطوره‌های ظلم‌ستیزی و چراغ راه آیندگان یاد می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. سید محمدحسین فضل‌الله فرزند سید عبد الرؤوف، متولد سال ۱۳۵۴ ق برابر با ۱۹۳۵ م در نجف اشرف (خاقانی، ۱۹۵۶: ۳۰۶/۸، امینی، ۱۹۶۴: ۲/۹۴۳) نسبت او به امام حسن مجتبی می‌رسد (مهدی، ۲۰۰۴: ۳۳، سرور، ۱۹۹۲: ۱۹). در سال ۱۳۶۳ ق در سن نه‌سالگی به حوزه علمیه نجف رفت و دروس اولیه خود را نزد پدرش گذراند (ابوصالح، ۲۰۰۳: ۲۸ و ۳۷) دروسش را تا سال ۱۳۸۵ ق. ادامه داد و در دروس استادانی همچون حضرات آیات آیت‌الله خویی، سید محمود شاهرودی، شیخ حسین عاملی، ملاصدرا بادکوبه‌ای حاضر شد و از علم آنها بهره برد. (همان، ۲۹) او از مراجع روزگار خود گردید و در سال ۱۹۶۶ م، نجف را به قصد اقامت دائم به سوی لبنان ترک کرد و در ۴ ژوئیه سال ۲۰۱۰ م بر اثر بیماری در بیمارستان بهمن بیروت به دیدار حق شتافت. از علامه فضل‌الله بیش از هفتاد و سه اثر تاکنون منتشر شده است. این آثار را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: ۱- پژوهش‌های قرآنی: که مهم‌ترین آن تفسیر «من وحی القرآن» در بیست و پنج جلد است. ۲- کتاب‌های فقهی: المسائل الفقهية ... ۳- در زمینه اندیشه اسلامی: خطوات علی طریق

الاسلام. ۴- شعر: از علامه فضل الله تاکنون چهار ديوان شعر منتشر شده است كه عبارت اند از: يا ظلال الإسلام، قصائد للإسلام و الحياة، على شاطئ الوجدان، فى دروب السبعين.

فهرست منابع

۱. قرآن كريم.
۲. ابو صالح، اسماعيل خليل. (۲۰۰۳ م). السيد محمدحسين فضل الله شاعراً. ط ۱. بيروت: دار الملاك.
۳. امينى، محمدهادى. (۱۹۶۴ م). معجم رجال الفكر و الأدب في النجف خلال ألف عام ط ۱. النجف.
۴. خاقانى، على. (۱۹۵۶ م). شعراء الغري. النجف: المطبعة الحيدرية.
۵. سرور، على حسن. (۲۰۰۴ م). العلامة فضل الله و تحدي الممنوع ط ۱. بيروت: دار الملاك.
۶. شفيعى كدكنى، محمدرضا. (۱۳۸۰ ش). شعر معاصر عرب. تهران: سخن.
۷. غسان بن جدو. (۲۰۰۱ م). خطابات الإسلاميين و المستقبل. ط ۳. بيروت: دار الملاك.
۸. فضل الله، محمدحسين. (۲۰۰۱ م). قصائد للإسلام و الحياة ط ۲. بيروت: دار الملاك.
۹. (۱۹۹۰ م). على شاطئ الوجدان. ط ۱. لندن: دار الريس.
۱۰. (۲۰۰۶ م). مطارحات في الشعر و الفن و الأدب. ط ۱. بيروت: دار الملاك.
۱۱. (۲۰۰۶ و). وطن ممنوع من الصرف. بيروت: دار الملاك.
۱۲. (۲۰۰۶ خ). خطابات المقاومة و النصر. بيروت: دار الملاك.
۱۳. (۱۹۹۷ م). فقه الحياة. حوار أحمد أحمد و عادل القاضى. ط ۱. بيروت: مؤسسه العارف.
۱۴. مجلسى، محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). بحار الأنوار. بيروت: مؤسسه الوفاء.
۱۵. مهدي، على رفعت. (۲۰۰۴ م). الاتجاه الروحى فى شعر السيد محمدحسين فضل الله. ط ۱. بيروت: دار الملاك.

ب. مقالات

۱۶. حجازی، بهجت السادات و رحیمی، فائزه. (۱۳۸۹ ش). «جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر ایلیا ابو ماضی». مجله لسان مبین. سال دوم. شماره ۲. صص ۴۱-۵۸.

ج. منابع اینترنتی

۱۷. فضل‌الله، محمدحسین. (۱۹۸۵/۴/۲۳). «شهداء المقاومة... طلائع التحرير والانتصار».
www.arabic.bayynat.org.lb/ArticlePage.aspx?id=6893
۱۸. فضل‌الله، محمدحسین. (۲۰۰۹/۶/۴). «مقابلة التلفزيون الإيراني».
<http://arabic.bayynat.org.lb/DialoguePage.aspx?id=12129>

